



آزاده ، تونیزه ، فرهنگي
او نشراتي ارگان

بسم الله الرحمن الرحيم
د سعیدافغاني د سولې او تفاهم ، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

استقامت په ژوند کې او متانت په کارنو کې
د موفقیت راز دی . « سعید افغاني »



Dr. M. Said Said Afghani

د سعید افغاني : آزاده ، تونیزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!

نوشته : معاون سر محقق حسین « فرمند »

استاد علی اصغر بشیر هروی در حافظه آرشیف ملی افغانستان



متن کامل مقاله دانشمند محترم معاون سر محقق حسین فرمند که بمناسبت هفتاد و یکمین سال تولد استاد بشیر هروی از طرف انجمن فرهنگ هرات باستان در سال 1369 در تالار کنفرانسهای محمود طرزی اتحادیه ژورنالستان جمهوری افغانستان برگزار شده بود

شاد روان استاد علی اصغر بشیر هروی از چهره های پذیرفته و برجسته فرهنگي معاصر کشور ما يکي هم روانشاد استاد علي اصغر بشیر هرویست ، که هستي پر بارش را وقف مطالعات و پژوهشهاي علمي ساخت و با نگاشتن کتابها و رسایل مقاله هاي فراوان ادبي و تاريخي ، استخراج هاي دقيق نجومی و سرایش اشعار ، نه تنها در پروسهء باروري و گسترش دانش بشري سهمش را به جا آورد، بل وجيبه و دين خود را در برابر فرهیخته گان و فرهنگ سالاران سرزمین خراسان ، این مرز و بوم تاريخي و دانشپور، نیز به نيکوترين وجهي اداء کرد .

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

حالات پير هرات ، شاهراه تورغندي هرات ، قندهار ، هزار و يك حكايه تاريخي و ادبي ، خميرخان ، كليات سنائي ، سيري در ملك سنائي ، شيوه داستانسرايي امير خسرو و انديشه هاي پير هرات در شمار آن تاليفات و تتبعات استاد ميباشند كه بصورت كتابهاي مستقل چاپ شده اند و هريك از آثار ياد شده درجاي خودش ارج فراوان دارد و بيانگر بينش دقيق ، انديشهء سالم ، حوصلهء علمي و نگارش استوار و بيان رساي اين استاد وارسته و متواضع است.

نگاشته ها و پژوهش هاي استاد در سيمينار ها و سمپوزيم هاي علمي و مطبوعات كشور ، درخشش ويژه يي داشت كه بي ترديد ازديد دانشيان و حلقه هاي فرهنگي به دور نخواهد بود. از كار كرد هاي بسيار چشمگير وي ، در ساحة مطبوعات ، يكي هم نشر جريدهء ادبي ، انتقادي ((ترجمان)) را مي توان نام برد ، كه به مسؤليت ايشان با زبان پرنيش و نوش طنز و كارتون ، كاستي ها و نارسايي ها را نقادانه به بيان مي آورد.

شمارش كار كردها و ابعاد گوناگون فرهنگي شاد روان استاد بشير ضرورتيست مشخص ، ولي مستلزم فرصت و مجال كافي كه درين مختصر گنجايش ندارد. فقط بعنوان اظهار ارادت شاگردي به مقام علمي و شخصيت والاي استاد مي خواهم بريكي از برهه هاي زنده گي فرهنگي شان توقف كوتاهي بنمايم .

شادروان استاد بشير ، آخرين وظيفهء رسمي را در آرشيف ملي افغانستان انجام ميداد و با داشته هاي معنوي و پربهاي اين گنجينهء دانش و فرهنگ ، مصروف بود .

آرشيف ملي افغانستان كه بر پيرنگ آمريت نسخ خطي وزارت اطلاعات و كلتور وقت بنياد نهاده شد ، در سنبلهء 1356 ، رسماً گشايش يافت و آثار و كارمندان آمريت نسخ خطي منجمله استاد بشير به آرشيف ملي وابسته گرديدند .

عشق به كتاب و كتابخانه ، به ويژه نسخ نفيسي كه جزء مفاخر فرهنگي و ميراث پر بهاي جامعه را تشكيل مي دهند ، استاد را وا ميداشت تا رسالتش را در رابطه به آرشيف ملي مسؤولانه و عاملانه به سر رساند . همين احساس مسؤوليت و درك رسالت ، نام و كار او را با آرشيف ملي پيوند محكم و استوار بخشيده كه تاريخ آرشيف فراموشش نخواهد كرد و همواره در حافظه خواهد داشت .

به قول محترم عبدالقدير مشتري مدير شعبه نسخ خطي آرشيف ملي قبل از آمدن استاد بشير ، اين شعبه و آثار محفوظ در آن كمتر شناخته و غير قابل استفاده بود. كسي نميدانست چي آثاري و از چي كساني به چي تعداد در اين جا موجود است . و در چي موقعيتي قرار دارند. تاچي رسد بدان كه امكان استفاده و دسترسي بدانها ميسر ميشد و معلوماتي در باره كاتب ، تاريخ كتابت ، نوع خط ، كاغذ ، پشتي و ساير تزئينات و ويژه گيهاي آن ها حاصل ميگرديد.

استاد ، با دانش و تجربه و ذوق ويژه فرهنگي در پي تهيه و ترتيب فهرست علمي اين آثار شد و به همكاري سايركارمندان آرشيف ، استاد ماييل هروي ، استاد توفيق ، محمد عمر صديقي ، داکتر اثير ، محمد انور نير و عبدالقدير مشتري كار تسجيل و تشریح علمي نسخ را آغاز و در گسترده آثار موجود آرشيف در همان زمان به فرجام آورد و براي هر اثر فیش مشخص حاوي خصوصيت ها و ويژه گيهاي آن تهيه نمود.

این کارسترگ را می توان شاهرگ حیاتی آرشیف به شمار آورد که خون حرکت و فعالیت و سودمندی آرشیف ، به ویژه بخش نسخ خطی ازین مجرا به جریان آمد و سرانجام چاپ مجلات سه گانه فهرست نسخ خطی آرشیف بر مبنایان تحقق پذیرفت چون در آن زمان بررسی نهایی چاپ و در معرض استفاده قرار دادن این فهرست میسر نبود، استاد غرض فعال ساختن شعبه نسخ خطی و استفاده دانشمندان و پژوهش گران ، عجالتاً دست به ابتکار دیگری یازید ، که عبارت از ترتیب دادن فهرست مختصر نسخ خطی آرشیف در چار مجلد بود درین فهرست چهار جلدی که مجلدات اول و دوم آن شامل نسخه به خط روانشاد بشیر و مجلدات سوم و چهارم مشتمل بر 1535 نسخه به خط محترم داکتر اثیر می باشد، تنها به ذکر نام و زبان اثر و مؤلف آن با شماره الماری و موقعیت اثر در الماری اکتفا شده و هدف از ترتیب آن در آغاز جلد اول و دوم چنین تصریح گردیده است .

این فهرست، مختصر ، فقط بمنظور پیداکردن جای هر نسخه و آگاهی از این که چند نسخه از یک « کتاب در کتابخانه موجود است تنظیم گردیده است. البته اطلاع بیشتر در مورد یک یا چند نسخه را باید بامراجعه به خود نسخه ها و یا فهرست دیگر کتابخانه که با تفصیل و توضیح بیشتر... در شرف تدوین میباشد ، میتوان به دست آورد .

باید گفت که تا پیش از چاپ فهرست های نسخ خطی آرشیف ملی که بر مبنای همان کار گروهی ترتیب و تدوین و اکمال یافته است ، یگانه وسیله و کلید راهیابی به نفایس آرشیف و استفاده دانشیان از آن ها همین فهرست مختصر قلمی بود وبس و حتی هم اکنون نیز در مواردی بدان مراجعه میشود .

همانطور که گفته آمد ، تلاش ها و پویش های سازنده در جهت تحرك فعال ساختن و بلند بردن سطح کار آبی این مؤسسه فرهنگی ، نام استاد بشیر را با نام آرشیف ملی گره زد و این گره با یک عمل دانشمندانه دیگر ، گسست ناپذیر و مستحکم تر گردید .

بلی ، در میزان 1359 ، استاد شماری از داشته های معنوی خود را که عزیز میداشت ، به آرشیف ملی اهداء کرد تا هم از تصادف اندوهبار زمان در امان باشند و هم پژوهنده گانی را که نیاز یابند به سهولت دسترسی بدانها میسر آید .

آثاری که از طرف استاد به آرشیف اهداء شده و زیر شماره های مخصوص ثبت و محفوظند ، شامل دویخش میشوند .
اول – مجموعه هایی از مقالات سیمینار ها و محافل بزرگداشت:

این مجموعه ها، عموماً گسترش شده و دربر دارنده پژوهشها و بعضاً تمامت اسناد محافلی میباشد که استاد در آن ها اشتراك فعال داشت و با حوصله افزایی و ذوق فرهنگی به جمع آوری ، تنظیم و وقایه آن ها پرداخته است . آنها عبارتند از :

مقالات مجلس امیر خسرو دهلوی، تاریخ برگزاری حوت 1353 نمبر آرشیف 25/134

مقالات سیمینار دقیقی بلخی، تاریخ برگزاری جدی 1354 نمبر آرشیف 25/135

مقالات مجلس بزرگداشت هزارمین سال تولد خواجه عبدالله انصاری تاریخ برگزاری ثور 1355 و

حوت 1355 نمبر آرشیف 25/132 و 25/133

مقالات هشتادمین سال وفات سید جمال الدین افغانی ، تاریخ برگزاری میزان 1356 نمبر آرشیف

25/131

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

مقالات تجلیل نهمین سال تولد حکیم سنایی غزنوی، تاریخ برگزاری سنبله 1359 بدون شماره ظاهراً جز مقالات مجلس امیر خسرو، هیچ یک از مجموعه های دیگر تا کنون چاپ نشده و این هم واضع است که نسخه های گسستتر شده اولاً از لحاظ تعداد بسیار کم می باشند و ثانیاً چون در حفظ و نگهداشت آن ها چندان توجهی مبذول نمیگردد، اغلب نایاب شده اند. بنا براین، مجموعه های یاد شده خیلی غنیمت و در حکم نسخه های خطی و یا آثار کمیابی اند که ارج فراوان دارند، زیرا هم اکنون بحیث آثار آرشیفی و هم در آینده با مساعدت شرایط فرصت بحیث مبنای چاپ و تکثیر میتوانند مورد استفاده قرار گیرند و نیاز علمی پژوهنده گان و محققان را مرفوع سازند.

دوم، آثار مستقل استاد بشیر:

این ها شماری از تالیفات و رسایلی اند که استاد بشیر با دقت نظر و وسعت اندیشه در مقاطع مختلف زنده گی پژوهشی - فرهنگی خود به نگارش ترتیب و تدوین آن ها پرداخته است. از این میان برخی امکان چاپ یافته، ولی شمار دیگر تا کنون چنین اقبالی را نصیب نشده اند. مطلب قابل گفت و دارایی اهمیت، این است که این آثار، همه نسخه نخستین و به خط و خامه مؤلف میباشند و بنا بر این تحریف، تصحیف، کاستی و فزونی در آن ها مجالی نیافته است. این نسخ معتبر و دست اول را میتوان برای تصحیح و مقابله آن چه بیشتر نشر شده و نیز برای چاپ و نشر آنچه از چاپ باز مانده است. مورد استفاده قرار دارد و دانش و بینش مؤلف را به قضاوت گرفت. برای آگاهی اهل تحقیق و پژوهش شناسنامه فشرده بی از هر اثر ارایه میگردد:

۱- جست و جوی در احوال و آثار پیرهرات:

این نسخه زیر شماره 125ر25 در آرشیف نگهداری میشود. تاریخ پایان مقدمه، آغاز کار آن را در اول حمل 1327 در شهر هرات نشان میدهند. دارای 310 صفحه بشمول فهرست اعلام، اماکن و کتب و مجلات می باشد. کتاب، عمدتاً شامل دو بخش است.

بخش نخستین آن که 137 صفحه را احتوا میکند، زیر نام « هویت پیر هرات » و بخش دومین آن در 127 صفحه زیر نام « مکتب پیر هرات » نگاشته شده است. مؤلف با فروتنی و ویژه خودش دز مقدمه نسخه « من، مطالعه شرح حال و آثار این مرد نامی هرات را برای کسانی که دلبسته این آب و خاک و شیفته افتخارات این سرزمین باستانی هستند، لازم، بلکه واجب میدانم و نگارش داستان حیات و اوقات او و تحقیق در آراء و عقاید و تعلیمات او را واجبتر... از این رو، به ادای این واجب، قیام نموده، شرح حال و تاریخ زنده گانی و بحث در خصایص روحانی او را آغاز می کنم و از خداوند قادر متعال، توفیق انجام این فریضه ادبی را مسألت می نمایم... و من میخواهم این اثر ناچیز نمونه بی از حقیقت نویسی باشد نه سرمایه شهرت و نامبرداری.

۲- زنده گانی و مکتب پیرهرات:

در حقیقت نسخه دیگری از همان اثر نخستین است که گویا پس از تجدید نظر و افزایش مقدمه وسیعتر و تکمله بی به داخل بیست صفحه بمنظور چاپ فراهم گردید و فعلاً زیر رقم 126 ر25 در آرشیف قید و محفوظ است، نه تنها در نام کتاب، تجدید نظر به مشاهده میرسد، بلکه تغییر عنوان نخستین بخش آن از ((هویت پیرهرات)) به ((زنده گانی پیر هرات)) نیز آشکار است.

اگر اكمال نسخه اولي را به سال 1330 (سال چاپ رساله پيرهرات) فرض كنيم ، درست ده سال پس از آن ، اين نسخه به كتابت آمده است ، به فحوای این بیان مؤلف ، در آخرین برگ نسخه مورد بحث :

این نسخه را در سال 1341 برای بار دوم از روی نسخه اولی ، کتابت و استنساخ کرده ، برای چاپ به کابل فرستاده بودم که بعداً دریافت کردم.» برتری این نسخه نسبت به آن دیگر، نخست داشتن مقدمه بیست مشتمل بر بیان دانش تاریخ و ماهیت آن، حس قهرمانجویی و مفاخر ملی و تاکید این که ((تاریخ جهان ، تاریخی که در باره آن گفته اند: آیینة گذشته و چراغ آینده است . تاریخ جنگها و زد و خورد ها، تاریخ کشت و کشتار ها، تاریخ حریق ها و ویرانیها نیست، بلکه تاریخ تمدن و سرگذشت علم و ادب و اخلاق و هنر است.»

چنانکه مؤلف بر بنیاد همین استدلال ، به نوشتن این اثر، دست یازیده که معرف و روشنگر شخصیت والا و کار کرد های فرهنگی پیرهرات – این مرد نامی تاریخ تمدن و فرهنگ بشیریت. افزایش تکمله یی را در آخرین نسخه، دومین مزیت آن باید شمرد .

این تکلمه علاوه بر مطالبی که مندرجات متن یا حواشی کتاب را بهتر توضیح و بیان میدارند یاد داشتهایی را نیز شامل میشود که پس از نگارش و ختم کتاب بدست آمده و به منظور تکمیل آن درج گردیده است . لازم به یاد هانیست که نخستین بخش این اثر، زیر عنوان « حالات پیر هرات » به حیث يك رساله در سال 1330 ، از طرف روزنامه اتفاق اسلام در مطبوعه اتفاق اسلام هرات چاپ شده و بیست و پنج سال بعد یعنی در سال 1355 بمناسبت بزرگداشت هزارمین سال تولد خواجه عبدالله انصاری دومین قسمت آن زیر عنوان « اندیشه های پیر هرات » طور جداگانه و از طریق مؤسسه چاپ کتاب بیهقی در مطبوعه دولتی به نشر رسیده است .

۳- ترجمه قصیده برد:

معروفست که شیخ شرف الدین محمد بوهری از باشندگان یمن به مرض فالج مصاب بود. هیچ نوع تداوی ، مؤثر نیفتاد تا آنکه مایوسانه قصیده یی ساخت در نعت حضرت پیغمبر اسلام (ص) به یمن آن قصیده حضرت پیغمبر (ص) را در خواب دید و عرض حال کرد و در پرتو نظر لطف آنحضرت (ص) شفا یاب گردید. این قصیده در نزد مسلمانان خواص ، فواید و حرمت فراوان دارد و ترجمه های متعدد منظوم و منثور به زبان های مختلف جوامع اسلامی از آن صورت پذیرفته است. روانشاد استاد بشیر، این قصیده را که به «قصیده برد» اشتهار یافته به نثر دری ، ترجمه نموده که زیر رقم 127 بر 25 در آرشیف ملی محفوظ است.

کتابت این اثر به داخل 60 صفحه به سال 1334 در شهر مزار شریف به انجام آمده است . چنانکه استاد مرحوم به این ارتباط و آسیب قسمتی که بر نسخه وارد آمده است ، در آخرین برگ تصریح میدارد :

کاتب این اوراق بی مقدار ، در سال 1334 در شهر مزارشریف مترجم آن از عربی به دریست .

دریغا که بعداً بر اثر آب رسیده گی ناشی از سیلاب 1351 خیرخانه قسمتی از سطور این اوراق محو شد و مخصوصاً صفحه آخر که تقریباً شسته شده است و از حیز انتفاع افتاده (است). ای بسا آرزو که خاک شده .

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

۴- شناسنامهء جامی:

تألیف دیگر است از آن استاد فقید و بخط خودش که زیر شمارهء 119 بر 25 در آرشیف ملی نگه داشته می شود. دارای قطع متوسط و 136 صفحه است. ازین میان 87 صفحه آن را متن اثر و متباقی 46 صفحه دیگر را حواشی و پا و رقیها تشکیل میدهد.

این اثر که مشتمل بر فشرده یی از شرح احوال و افکار و تعلیمات عارف بزرگ وطن مولانا نورالدین عبدالرحمن جامیست به شیوه کاملاً ابتکاری و جدید به نگارش آمده. چي بهتر که شیوه و طرز کار درین اثر را از بیان رسا و خامهء توانای مؤلف در مقدمه دریابیم

چون به حقیقت نمیدانم کاغذ سیاه کرده ام یا کتابی نوشته ام. گمان نمی کنم نوشتن مقدمه یی برین " اوراق لازم باشد. در این صورت مصاحبه با عارف بزرگ وطن " مولانا جامی قدس سره " تنظیم شده، از آثار آن مرد نامی و دو شاگرد ارجمندش مولانا عبدالغفور لاری و مولانا فخرالدین علی بن حسین واعظ الهام گرفته ام و فرض چنان است که این مصاحبه در سال 898 هجری یعنی آخرین سال حیات دانای جامی صورت گرفته باشد " تاریخ پایان مقدمه، انجام کار تألیف را به سال 1342 در فیروز آباد هرات نشان میدهد. این اثر ارزشمند با فرو کاوی دقیق منابع و ماخذ دست اول به نگارش آمده و تا جاییکه من خود از استاد شنیده و اسنادی نزد ایشان مشاهده کرده بودم، چاپ مستقل آن نیز زمانی هدایت داده شده بود که شاید بنا بر عواملی میسر نگردیده و امید است، در اثر توجه مراجع فرهنگی، این امر، تحقق پذیرد.

هر چند باری در شماره های مختلف ژوندون سالهای پیش از 1357 چاپ شده، ولی نشر آن بصورت کتاب مستقل، پر ارج و سودمند تر خواهد بود.

۵- گلچینی از کتاب امثال و حکم:

این اثر که نماینده ذوق و سلیقه خاص استاد در گزینش است، زیر رقم 121 بر 25 آرشیف حفظ میباشد. گزینه بایک مقدمه دو صفحه یی در ارتباط به زنده گی و کار کرد های برجسته علامه دهخدا آغاز مییابد که در شعبان 1380 ق، نگارش یافته است. شاید فرجام کار گزینش و ترتیب با تاریخ نگارش مقدمه همزمان باشد. به دنبال مقدمه 5249 مثل و جملات حکمت آمیز به ترتیب حروف الفبا از چهار مجله کتاب امثال و حکم دهخدا به گزینش آمده و باحوصله مندی و دقت در 46 صفحه پاکنویس و ترتیب شده است.

۶- تحقیقی در بارهء کلمه امی:

از آثار پر ارج استاد در آرشیف ملی یکی همین رساله میباشد که زیر شماره 118 بر 25 نگهداری میشود. در نخستین برگ این رساله 24 صفحه یی، مؤلف. از محتوای چنین آگاهی میبخشد:

درین اوراق بر يك تحقیق غرض آلود که توسط یکی از شاگردان مکتب استشراق، نسبت به زنده گی حضرت پیغمبر اسلام (ص) صورت گرفته است پاسخ گفته شده است.

به فحوای متن رساله ، این تحقیق از داکتر سید عبداللطیف هندی دانشمند معاصر است که در سال 1343 آرای خود را در کنفرانس اسلامی بیان داشت. تحقیق وی بصورت رساله یی بزبان انگلیسی چاپ شده است و آقای تفضلی باورمندان و اخلاصمندان آن را از انگلیسی به فارسی ترجمه و تلخیص کرده اند.

توجه محقق هندی بر آن بوده که ثابت کند حضرت پیغمبر اسلام (ص) در کودکی یا هنگام جوانی درس خوانده و نزد ، یک یا چند آموزگار به تحصیل دانش ، پرداخته و علم آن حضرت (ص) اکتسابی بوده است. وی تصور کرده است که در نزد مسلمانان ، پیغمبر فاقد علم شناخته شده و این نظریه را اهانت عظیم نسبت به آن حضرت پنداشته اند .

شاد روان استاد بشیر هروی درین رساله با دلایل علمی و مقنع نظر محقق هندی را رد و تصریح داشته است که مسلمانان ابداء چنین عقیده یی ندارند بلکه بدون استثنا اتفاق نظر دارند که پیغمبر بزرگ اسلام (ص) اعلم علما و به تعبیر خود آن حضرت : « شهر علم » بوده است. با این تفاوت که علم سایر دانشمندان جهان را اکتسابی و زادهء درس و بحث مینگارند، ولی دانش آن حضرت را لدنی و از جانب خدا(ج) و نتیجه وحی الهی میدانند.

۷- سیری در ملك سنایی :

نسخه این اثر به داخل 156 صفحه زیر شماره 120 بر 25 در آرشیف ملی حفظ است . موجودیت مهر مدیریت نشرات در عقب هر صفحه تردیدی باقی نمی گذارد که چاپ کتاب در سال 1356 به مناسبت مجلس سنایی بر مبنای همین نسخه صورت پذیرفته است.

روانشاد استاد بشیر در آغازین برگ هر نسخه یی از تألیفاتش ، این جمله را تحریر و در پای آن امضاء کرده است:

این کتاب را به کتابخانه نسخ خطی آرشیف ملی تقدیم می کنم امید است که خواننده یی را روزی به کار آید .
بدون تردید این آثار ، خواننده گان و پژوهنده گان را درکارشان یاری میبخشد و به اظهار سپاس و قدر دانی ازین دانشی مرد فرهیخته او خواهد داشت.

فرهیخته مردی که پس از عمری تحقیق و پژوهش و انجام کارهای فرهنگی در سال 1360 در شهر مشهد (1) دیده از جهان فرو بست و جامعه فرهنگی را سوگوار ساخت .

سپاس فراوان بر انجمن فرهنگ هرات باستان که با تدویر این مجلس نخستین گام را در جهت ادای دین فرهنگیان کشور در برابر این چهره تابنده معاصربه پیش گذاشت .
باور مندیم با چاپ و نشر شماری از آثار استاد به ویژه « شناسنامهءجمعی » حرکت آغاز شده را ادامه خواهند داد. شاد باد روان استاد بشیر هروی و پر ثمر و مستدام باد اقدامات فرهنگی انجمن فرهنگ هرات باستان .

شادروان استاد بشیر هروی که ماه های آخر عمر پر بارش را در عالم هجرت درکشور همسایه ، ایران می گذرانید . در همانجا نیز از فعالیت های فرهنگی اش دست نکشید و با قلم شیوای خویش به بیان واقعیت های تلخی می پرداخت که با جور و جفا بر وی و سایر هموطنانش تحمیل گردیده بود. تا اینکه سرانجام پس از ده ماه زیستن در غربت در صبحگاه اول قوس 1360 پس از ادای نماز صبح

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

در کنار کاغذ و قلمش در تهران جان به جان آفرین سپرد و جنازه اش عصر همان روز به شهر مشهد مقدس انتقال یافت که در روز دوم قوس در بهشت رضا مشهد بخاک سپرده شد.
روحش شاد و یادش گرامی باد
و اینهم رباعی از وصیتنامه شادروان استاد بشیر هروی که خطاب به هموطنانش سرود :

ای ملت آزاده ای افغانستان
ای شسته برای حفظ دین دست از جان
پروا مکن از دشمن گمراه چو هست
یار تو خدا «ج» و رهنمایت قرآن

گردوست بدشمنم فروشد غم نیست
ورخصم بکشتنم بکوشد غم نیست
من بچه انقلابم ار چشمهء خون
از هر رگ گردنم بجوشد غم نیست

حسین « فرمند »